

این حالا دیگر مردم به شبکه‌های اجتماعی وصل هستند و اخبار فعالیت‌های ما را بخوانند و ببینند.

وارد نیست، دارد اشتباه می‌کند، اینجا که نمی‌تواند سمفونی نهم بتهوون را بنوازد اما ارکستر در عرض یک هفته آماده شد و روی صحنه رفت.

۴) پس چرادر این سال‌ها با حضور رهبران متفاوت ازجمله خود شما همچنان ارگسترسمفونیک به ادعای خود شما رپرتوار کافی ندارد و اوضاع سامانی نداشته‌است؟

دوم، ایشان از شاگردان ما بود. بعد از حضور در ایران، اولین گفت‌وگو ۱۸ سال کسی به فکر من نبود. او در بدو امر به عنوان قصه‌پرداز در کارش اشتغال داشت چون به‌تازگی کارش را شروع این حرفه را خوب می‌شناسم و می‌دانم اکثر رهبران ارکستر اند. آقای حیدری بیشتر با دانشجویهای رشته رهبری ارکستر و تان با این رهبری ارکستر تفاوت دارد. فرق می‌کند که معلم یک نوازنده یا رهبری که همه عوشرش دائم در سفر بوده و رهبری مختلف جهان را برعهده داشته و رپرتوار دارد. یک رهبر دائم که هر هفته یک برنامه تازه داشته باشد تا سطح ارکستر بالا بیاید. باید دید ایشان چه می‌کند.

علی خانة موسیقی روی ارکسترسمفونیک و ارکستر ملی نفوذی دارد؟

۹) برای یک ارکستر ملی یا سازهای ملی، ریزتراف کافی داریم؛ یا بهر خانه موسیقی همیشه خیلی قوی بوده و در حقیقت وینیک از طوری برنامه‌ریزی کرده که اگر اکر باشد کسی کار دوسان شان یا از دوستان اران شان باشد، به همین دلیل هم وقت پیشرفت نکرده است، ولی من به آینده خوشبین هستم. هزاراً برای این که جرم زبان اران بینیم، شنیدم بیش از هزار موسیقی در دانشگاه‌ها ایران تحصیل می‌کنند، می‌دانید چه ناک‌آی است! این چه سطح بالایی دارند و من به آنها امیدوارم دم به ناچار درست خواهد شد. ممکن است این اتفاق یک

خ بدهد یا یک سال دیگر ولی من می بینم و احساس می کنم که می دارم تغییر می کند. ما ایرانی ها جوان های مستعدی داریم. ز سال ها به ایران برگشته بودم، شروع کردم به تمرین برای فونی نهم بتهون. می گفتند آقای رهبری چون ایران نبوده، و فورا فراخوان می دادند که آهنگسازان برای ارکستر و سازهای ملی قطعه بنویسند. این همه آهنگساز درجه یک داریم که می توانند برای سازهای بومی بنویسند. آقای دهلوی، آقای حنا و برخی آهنگسازان دیگر هم قطعاتی دارند. ولی اشکالی اینجاست که رهبر درست و حسابی برای ارکستر ملی نداریم البته موزیسین های خوب سنتی داریم مثل آقای علیراده، آقای کلهر و خیلی های دیگر ولی این

«مجرم» تک‌آهنگ جدیدی از گرشا رضایی منتشر شد. ترانه‌سرا، تنظیم میکس و مسترینگ، آهنگساز و خواننده این تک‌آهنگ، گرشا رضایی و تهیه‌کننده آن سینا سپهری است. طراحی کاور این قطعه محمدعلی میرزا با استفاده از عکسی از میلاد پیاپی انجام داده است. بخشی از ترانه این تک‌آهنگ مرور می‌کنیم:

درباره قطعات صحبت می‌کردیم اما در همه ششورا سیاستمداران با هترو آشنا نیستند؛ از جمله در ایران، من دلم می‌سوزد و به مدیران و مسئولان انتقاد نمی‌کنم، می‌دانید چرا؟ برای این‌که گروهی از افراد کم‌سواد در زمینه موسیقی؛ نمی‌گویم بی‌سواد وارد میدان شدند و چند دهه پیش با قریب‌دادن رسانه‌ها و انتشار اطلاعات دروغین درباره گروه‌شان و دستاوردهای‌شان، مردم و مسئولان را تحت تاثیر قرار داد. گروه‌شان را پایه‌ریزی کردند، هر روزی که سر کار آمدند حداقل در این ۱۷ سال که من در جریان امور موسیقی در ایران هستم، جرات نداشته به این افراد بگوید شما چه کسی هستید!

۱۴) منظوران به طور مشخص شورای عالی خانه موسیقی است؟
بله و به شما می گویم شرایط به چه صورت است. آقای وزیر شواوری دارد به نام لوریس چکنارایان که همه شما می شناسید او دوستان من هم هستند و سطرخشان هم نسبتاً خوب است، هم آهنگسازی کرده و هم رهبری ارکستر، ولی وقتی آقای وزیر او چکنارایان می پرسد آقای طریف چطور است، آقای چکنارایان می داند که هوشنگ طریف سواد موسیقی ندارد و موزیسین نیست اما حرفی نمی زند چون جزو همان زنجیر رفقااست!

۱۵) زمانی که خود شما رهبر ارکستر بودید، نقدهای زیادی به شما وارد شده بود!



**همیشه
مللی، برای ایران
میست؟**

می‌داند یک
مود یا چه کسی
را بیشتر وجود
مطلد را تاریش
ظن نمی‌کنند؛
نظرون هنریش
یک مسئول
برعامل بنیاد
ش می‌شنید،
ایرانی. یک بار
سطح
قدر نیست که
قضاوت کند و

چون همیشه سعی کرده‌ام در کارم دیسپلین داشته باشم حتی حال‌هایی که در ایران بودهام. در آن دوره وزرا و معاونانی که من دیدم، همو علاقه‌مند بودند که برای موسیقی قدیمی برداردن ولی جلوی چشم‌شان گروهی قرار داشت که هیچ کدام از اعضای گروه حاضر نیست دیگری را نقد کند چون منافع مشترک آنها را به هم وصل کرده‌است اما من نقد می‌کنم چون هیچ وقت منافع خودم را به عدم بهبود شرایط موسیقی کشور ترجیح ندادهام. تصور کنید وزیر هستید و جمعی از معروف‌ترین و قدیمی‌ترین آدم‌ها موسیقی را از اتاق شما شاموش می‌کنند. طبیعی است که حرف‌شان را می‌پذیرید؛ یکی از مسائل اهالی سیاست گرفتار شدن در حلقه رفاقت‌ست. این مسأله در تمام دنیا وجود دارد و منحصراً به ایران هم نیست. در عرصه سیاست، درون احزاب و در دل دولت‌ها کسانی هستند که از طریق رقیب‌بازی به جایگاه دست پیدا کرده‌اند. سرمایه‌های سیاستمدار، رفاقت‌ها، حزب‌ها و دوستانش است ولی این رفاقت‌ها در موسیقی و ورزش چنین

نمی‌دهد. بنابراین وقتی من علی زهیری در یک صاحب‌به‌وزیر می‌گویم گوش به حرف‌های شما ندهید و قریب‌شان را بخورید چون رفیق بازی می‌کنند و بر اساس منافع جمع خودشان حرف می‌زنند، متوجه نمی‌شود که دارم از فساد حرف می‌زنم چون خودش با همین شیوه حزبی و رفاقتی به جایگاه فعلی رسیده‌است و این درحالی‌است که رفیق بازی، استنفا‌فائل شدن، چشم‌پستن و گوش‌پستن و ندیده و نشنیده‌گرفتن به هنر و ورزش طلحه می‌زند. خدا را شکر در ایران جوان‌هایی دارند که اداید که خیلی سطح بالا هستند و سطح‌شان از اعضای شورا که من همه آنها را با بچگی می‌شناسم بالاتر است.

۹) هنوز نگفته‌اید که چه سازوکاری برای ارزیابی وجود دارد و برای ارائه مشاوره درست به وزرا و معاونان در وزارت ارشاد باید چه کرد؟

به تاریخ نگاه کنید، همیشه در همه جای دنیا کسی بوده که آمده و همه این معادلات را به‌هم ریخته است. چنین فردی هنوز در داخل کشور خودش را بروز نداده و در خارج از کشور هم اگر افراد آگاه، متخصص و ایران دوست وجود داشته باشند، اصلا این گروه اجازه نمی‌دهد کسی از وجود آنها خبر شود. من ۳۰ سال، حتی در ۳۰ سالگی، در خانه موسیقی که دور وزیران دارنده اما منافعشان آنها را کنار بگذریم و وزیر فرهنگ و ارشاد شوند به سطح موسیقی کشور در چند همین افراد باقی مانده است. بر سطح موسیقی در کشورمان به کنید؛ مثلاً در آلمان که من شش که زندگی می‌کنم، حتی در سمفونیک هم همین طور. هم ایران فقط فوتبال بشد کرده وزیر و هم رسانه‌ها اما در زمینه شش شورای موسیقی و مسئولان این است.

بزرگ‌ترین ارکسترهای دنیاراهبری کردم و مدال طلا برای ایران آوردم اما وقتی به ایران آمدم هیچ‌کس نمی‌دانست چه دستاوردهایی داشته‌ام. چرا؟

دنیارهبری کرده‌ام و معتقدم
چون همان زنجیر، علاقه‌ای نداشته
در این باره صحبت شود. تقریباً از چهار
سال پیش خیلی ها متوجه شدند که من
قبل از آن‌که رهبر ارکستر باشم، آهنگساز
م دعوت می‌کرد و می‌نویسیدم

Figure 1